

مفهوم هماهنگی شناختی

است و موجب تنش روان شناختی و در نتیجه تغییر وضعیت به سوی تعادل می شود. (سورین و تانکار، ۱۳۸۱: ۲۱۵)

دکتر لکنبی

نظریه تقارن

تئودور نیوکامب، روان شناس اجتماعی، اندیشه تعادل هیدر را از ذهن یک فرد خارج ساخت و آنرا در ارتباط میان افراد بکار گرفت. فرض نیوکامب این است که کوشش برای نفوذ در شخص دیگر تابع جاذبه ایست که یک شخص برای شخص دیگر دارد. از این جهت نظریه نیوکامب بیشتر نظریه ای درباره جاذبه میان فردی است تا تغییرنگرش. مدل او نیز از دو فرد و یک موضوع تشکیل شده است. به نظر نیوکامب اگر دو فرد راجع به یک موضوع توافق نداشت باشند، میزان فشار برای تقارن بستگی به جاذبه میان فردی و شدت نگرش آنها نسبت به موضوع دارد. او معتقد است که افزایش جاذبه فرد A برای فرد B و افزایش شدت نگرش A نسبت به موضوع X سه نتیجه احتمالی در بر خواهد داشت:

- افزایش فشار در جهت تقارن از A به B
- احتمال دستیابی به تقارن
- احتمال ارتباط A و B در باره X (همان: ۲۱۶)

نظریه همخوانی

مدل همخوانی مورد ویژه ای از نظریه تعادل هیدر است که به نگرش شخص نسبت به منابع اطلاعات و موضوعات مورد تأیید منبع می پردازد. در این الگو، شخص تائیدی از یک منبع درباره یک موضوع، که نسبت به هر دو آنها نگرشی دارد، می گیرد. در این مدل میزان علاقه P نسبت به O و X تعیین کننده این است که آیا

عناصر مختلف شناختی که نظام شناختی ما را تشکیل می دهند، با هم نوعی ارتباط دارند. این عناصر ممکن است با هم جور در بیایند یا اینکه بین آنها اختلاف باشد. توافق عناصر یک نظام شناختی را با یکدیگر، هماهنگی شناختی گوئیم. دیوید کرچ و همکارانش (۱۳۴۷: ۲۹) معتقدند که هماهنگی در نظام های شناختی ساده بیش از نظام های شناختی متکثر وجود دارد. طبیعی است که هرچه عناصر یک نظام شناختی بیشتر باشند، احتمال بروز ناهماهنگی در میان آن ها بیشتر است. از سوی دیگر علاوه بر اختلاف میان عناصر مختلف یک نظام شناختی، ممکن است میان دو نظام مختلف شناختی فرد نیز اختلاف وجود داشته باشد. مثلاً اعتقادات دینی فردی ممکن است با اعتقادات سیاسی یا اقتصادی او سازگار نباشند.

مفهوم هماهنگی را به سازواری نیز تعبیر نموده اند. بطور کلی سازواری و هماهنگی شناختی برای این فرض استوار است که ناهماهنگی موجب تنش روان شناختی یا ناسازگاری در انسان می شود که نتیجه آن فشار درونی برای از میان بردن یا کاهش ناهماهنگی و در صورت امکان حصول هماهنگی است. (سورین و تانکار، ۱۳۸۱: ۲۱۱)

نظریه های مربوط به ناهماهنگی شناختی

از میان نظریه های مربوط به این حوزه به چهار نظریه تعادل (Balance theory) از هیدر (Haider)، تقارن (Symmetry theory) از نیوکامب (New Camb)، همخوانی (Congruity theory) از ازگود (Ozgod) و ناهماهنگی شناختی از فستینگر می پردازیم. ابتدا سه نظریه اول را به ترتیب زمانی و بطور خلاصه مطرح نموده و سپس نظریه ناهماهنگی شناختی را بطور مفصل مورد بحث قرار می دهیم:

نظریه تعادل

بیشتر نویسندگان، امتیاز پیشتازی در تدوین نظریه هماهنگی را به فرانتیس هیدر می دهند. (همان: ۲۱۴) کرچ و دیگران (۱۳۴۷: ۳۰) تعادل مورد نظر هیدر را به نبود رابطه متناقض میان عناصر یک نظام شناختی تعبیر نموده اند. آنها معتقدند که هنگامی در نظام شناختی تعادل وجود دارد که عناصر آن نظام با هم رابطه متناقض نداشته باشند. رابطه غیر متناقض آن است که هر عنصری با عناصر دیگر نظام شناختی جور و هماهنگ باشد.

الگوی هیدر معطوف به دو فرد و یک موضوع است. در این الگو زمانی حالت تعادل بوجود می آید که سه رابطه از سه جهت مثبت و یا اینکه دو رابطه منفی و یک رابطه مثبت باشد. تمام ترکیب های دیگر نامتعادل هستند. فرض هیدر این است که حالت تعادل پایدار است و در برابر تاثیرات بیرونی مقاومت می کند. در عوض حالت نامتعادل ناپایدار



این است که قبول کند موقعیت تا آن اندازه که ابتدا به نظر می رسد نامطلوب نیست.

ب) موقعیت های اجتماعی -ناهماهنگی ناشی از تقدم غلط محیط اجتماعی

یک فرد ممکن است به یک قرار ملاقات پیش بینی نشده و بی خبر برود، در یک انجمن ثبت نام کند یا دعوتی را برای نوشیدنی بپذیرد و نهایتاً با افراد نامطلوبی که قبلاً پیش بینی نکرده بود مواجه بشود. اگر چنین شخصی در برخورد با گروه نه وقتی تلف کرده بود و نه انرژی، در این حالت با نهماهنگی کمتری مواجه می شد. ولی اگر در تعامل با این افراد زحمت زیادی کشیده باشد، در این صورت احساس نهماهنگی به او دست می دهد.

-ناهماهنگی ناشی از اختلاف با دیگران

وقتی کسی در برابر نظریه ای مخالف با نظریه خود قرار می گیرد و این نظریه از طرف افراد مشابه خود او ابراز می شود، احساس نهماهنگی می کند. تصویری که این فرد از افکار شخصی خود دارد با تصویری که وی درباره افراد دیگری دارد نهماهنگ است.

-ناهماهنگی ناشی از همناوایی اجباری

موقعیت های فراوانی وجود دارد که در آنها گروه فرد را مجبور می کند تا به صورت بارزی بر خلاف اعتقادات خود رفتار کند. وقتی این امر اتفاق می افتد، فرد نهماهنگی احساس می کند.

راه های کاهش نهماهنگی

از آنجا که ابتلا به نهماهنگی شناختی، چه از لحاظ روحی و چه جسمی حالت ناخوشایندی است (فستینگر و ارونسون ۱۳۷۷، بدار و دیگران ۱۳۸۱، کرچ و دیگران ۱۳۴۷، سورین و تانکاردا ۱۳۸۱) فرد می کوشد خود را از این وضعیت نجات دهد. یوسف کریمی (۱۳۷۳: ۲۵۷) راههای کاهش نهماهنگی را بخوبی طبقه بندی نموده است. به گفته وی، یک راه آن است که یا تعداد و یا اهمیت عناصر ناهمسان را کم کنیم. راه دیگر آن است که تعداد یا اهمیت شناخت های همسان

مطلب کامل را در CD ملتی مدیا نشریه پیگیری فرمایید

کاهش نهماهنگی بر بافت های اجتماعی ارائه کرده اند. آنها پیدایش نهماهنگی شناختی را در دو موقعیت مختلف فردی و اجتماعی چنین بر شمرده اند:

الف) موقعیت های فردی -ناهماهنگی به عنوان نتیجه تصمیمات اتخاذ شده

اگر فردی از بین امکانات موجود تنها یک روش عمل را انتخاب کند، مطمئناً دچار احساس نهماهنگی می شود، زیرا عامل انتخابی به ندرت کاملاً مثبت است و عوامل انتخاب نشده به ندرت به طور کامل منفی هستند. نظریه نهماهنگی، پیش بینی می کند که به دنبال هر نوع تصمیم گیری، هر فردی سعی خواهد کرد متقاعد شود که عامل انتخابی نسبت به عامل انتخاب نشده حتی جالب تر از آن است که در وهله اول فکر کرده بود.

-ناهماهنگی ناشی از میل

اگر کسی برای دریافت پاداش، کاری انجام دهد که به نظرش غیر اخلاقی می آید، شناخت از غیر اخلاقی بودن کار با شناخت از انجام دادن آن، نهماهنگی پیدا می کند. یکی از طرق کاهش این نهماهنگی برای او تغییر نگرش نسبت به جنبه اخلاقی آن عمل، یعنی متقاعد شدن او در این مورد است که این عمل خیلی غیر اخلاقی نیست. به این ترتیب، نظریه نهماهنگی، پیش بینی می کند که یک فرد، بعد از انجام یک عمل غیر اخلاقی، نسبت به این عمل نگرش اغماض آمیزتر از سابق خواهد داشت. از سوی دیگر، اگر کسی در برابر میل انجام کاری مقاومت کند نظریه نهماهنگی پیش بینی می کند که فرد مورد بحث، بعد از این که در برابر میل به انجام کار غیر اخلاقی مقاومت کرد، نسبت به جنبه غیر اخلاقی این عمل نگرش دقیق تر و جدی تری از سابق از خود نشان می دهد.

-ناهماهنگی ناشی از تلاش

اگر فردی در موقعیتی قرار بگیرد که برای رسیدن به هدف معین دائماً تلاش کند ولی موفق نشود با نهماهنگی مواجه خواهد شد. یکی از طرق ممکن برای کاهش نهماهنگی این است که در آن موقعیت چیزی پیدا کند که برای آن ارزش قائل است. به عنوان مثال جوینده بد شانس طلا ممکن است در اثر شگفت زدگی در برابر شکوه طبیعت بکر نهماهنگی را تقلیل دهد.

-ناهماهنگی ناشی از کار انجام شده

اغلب اوقات مردم در موقعیتی قرار می گیرند که باید وضعیت نامطلوبی را تحمل کنند. شناختی که هر کس راجع به وضعیت نامطلوب دارد، با این تصور که باید این وضعیت را تحمل کند نهماهنگ است. یکی از طرق تقلیل این نهماهنگی برای او

حالتی از همخوانی وجود دارد یا نه. در اصل تعاریف تعادل و همخوانی مثل هم هستند. ناهمخوانی هنگامی است که نگرش های شخص نسبت به منبع اطلاعات و موضوع مورد نظر مشابه است اما اظهار نظر مطرح شده در منبع اطلاعات، مخالف نظر شخص است. یا هنگامی که نگرش شخص نسبت به موضوع و منبع مختلف، اما اظهار منبع نسبت به موضوع مثبت است. در حالت نامتعادل، یک رابطه یا تمام روابط منفی است. (همان ۲۱۷-۲۱۸)

نظریه نهماهنگی شناختی

عمومی ترین نظریه از میان تمام نظریه های هماهنگی و نظریه ای که گسترده ترین داده های تجربی را بوجود آورده است نظریه نهماهنگی شناختی لئون فستینگر است. نظریه هایی که تا کنون بررسی شد به مسئله عدم توافق با دیگران شامل فرد یا منبع اطلاعاتی می پرداخت اما این نظریه درباره عدم توافق با خود است. فستینگر معتقد است که تعارض میان دو عنصر شناختی در درون فرد، اساس تغییر نگرش را تشکیل می دهد. دو عنصر شناختی زمانی نهماهنگی پیدا می کنند که تائید یکی موجب نفی دیگری می شود. این حالت زمانی پیش می آید که فرد باورهای متضاد یا حتی نگرش و رفتار مخالف هم داشته باشد. به عقیده فستینگر کسی که می داند دو عنصر شناختی نهماهنگ دارد حالت تنش ناخوشایندی احساس می کند. تعارض درونی در واقع با افزایش ناخوشایند برانگیختگی فیزیولوژیک بدن تجلی می کند. هر اندازه شناخت های مورد نظر مهم و انحراف آنها از یکدیگر بیشتر باشد، نهماهنگی به همان اندازه بزرگتر خواهد بود. (بدار و دیگران ۱۳۸۱: ۱۰۹) در این حالت، علاوه بر کوشش برای کاهش نهماهنگی، شخص فعالانه از موقعیت ها و اطلاعاتی که احتمال دارد نهماهنگی را افزایش دهد پرهیز می کند. (سورین و تانکاردا، ۱۳۸۱: ۲۲۶)

موقعیت های بروز نهماهنگی

بیشتر محققانی که نهماهنگی شناختی را مورد بررسی قرار داده اند، به نهماهنگی پس از تصمیم اشاره کرده اند. (بدار و دیگران ۱۳۸۱: ۱۱۴، کریمی ۱۳۷۳: ۳۵۹، سورین و تانکاردا ۱۳۸۱: ۲۲۷) تعدادی از آنان نیز درباره دفاع ضد نگرشی (کریمی، ۱۳۷۳: ۳۵۹ بوتان ۱۳۷۸: ۷۲) و پذیرش اجباری (سورین و تانکاردا ۱۳۸۱: ۲۲۸) و توجیه ناکافی (بدار و دیگران ۱۳۸۱: ۱۱۳) توضیحاتی داده اند. اما کامل ترین فهرست از حالت های بروز نهماهنگی شناختی را فستینگر و ارونسون (۱۳۷۷: ۲۵۲-۲۶۵) در مقاله ای با عنوان «پیدایش و